

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

حجلی مسکن

## آقا سید علی آقا

### گشکته و اسباب!

یک روز از روزهای آوریل بود، سرد و روشن. صدای زنگ ساعت های بزرگ شهر، یک بعد از ظهر را اعلام می کرد. "وینستون اسمیت" در حالیکه جانش را در گریبان فرو برده بود تا از سوز سرما محفوظ بماند، از در بزرگ شیشه ای که روی بلاک آن نوشته شده بود "خانه حقیقت" گذشت. "هال" بوی کلسیم پخته و قالی کهنه میداد. در انتهای آن، یک تصویر سیاه و سفید رنگی روی دیوار نصب شده بود. تصویری از یک مرد میانسال با سبیل های ضخیم سیاه رنگ که خطوط چهره و بی نظیر بیانی رتوش شده بود.

بقیه در صفحه ۱۲

نامه سرگشاده باز رگان

## سراب پیروزی

مهدی با زرگان در نامه ای سرگشاده خطاب به ها نمی رفتن است. رئیس مجلس شورای اسلامی به تاریخ سوم بهمن، رهبران جمهوری اسلامی را به خاطر سوء اداره جنگ به شدت به با دا انتقاد گرفت و آن ها را متهم کرد که شهرهای ایران را بدون پوشش هوایی در برابر بمباران های عراقی بی دفاع گذاشته اند.

بقیه در صفحه ۱۱

## پشت جبهه اسلامی

ازادی ایران

دیگر، دم خروس تبلیغاتی رژیم تهرانی را نشان می دهد. نشان می دهد که برخلاف نویدهای اوائل امسال، تا پایان سال جاری نیز پیروزی در کار نخواهد بود. نشان می دهد که نیروی هوایی عراق حتی بخش قابل ملاحظه ای از نیروی هوایی خود را در جنگ هنوز بکار نگرفته است. نشان می دهد که ویرانی ها و گشتارهای اخیر فقط می تواند بیشتر آمدویرانی و گشتارهای آن نوع باشد که، خاصه در جنگ جهانی دوم، شهرهای دایر و بیرونی اروپا را به تلی از خاک تبدیل ساخت.

بقیه در صفحه ۴

برود جزویروانی و خون مرگ و وحشت، فقر و ذلت شمری نخواهد داشت. شما حق دارید از من بپرسید که کارمادر این مدت چه بوده است؟ با تمام نارمائی ها و مسائل ناقصی که در اختیار داشتیم، این شاید خون خوار و دستگناه حرامی برورا ورا بد دنیا معرفی کردیم. از مغرب آمریکا تا کرانه های خلیج فارس، به تشریح وضع رقت بار ایران و خطرات توسعه و گسترش افکار رضا نسانی او، که بر هم رفته صلح و آرامش منطقه است، پرداخته ام.

بقیه در صفحه ۲

## پیام رادیویی دکتر شاپور بختیار

### به ملت ایران

منی کردم و به علل ظهور یک روحانی نمای منحوس اش را نمی کنم. با این حال، باید برای شما روشن شود که چه کسانی در این ماجرا دخالت دارند و چگونه تمام تلاش های ما و فداکارهای شما، تاکنون به نتیجه مورد انتظار نرسیده است. قبل از شروع جنگ هم، گستاخی ها و نعره های خمینی آئینده، تاریکی را برای ملت ایران خبر میداد. پس از اندک مدتی صحبت از دفاع و وطن اسلامی و ترویج اسلام را به میان کشید و هدف خود را تسخیر قدس و افراشتن پرچمی اعلام نمود که عملاً هر جا

خواهران و برادران عزیز، در هشتمین سال حکومت ایران سوز خمینی و همکاران جنایتکارش و در زمانی که همه روزها مدها تغیراتی در شهرهای ما و هزاران نفر در تلاق های عراق کشته می شوند، کدام ایرانی - از هر دسته و فرقه ای که باشد - میتواند از خود بیسی تغایتی و یا خون سردی نشان دهد. نتایج "حکومت الهی" خمینی و انقلاب خدا برانی او را، هم کشور به خاک و خون کشیده، خودمان و هم تمام ملل جهان از نزدیک و دور می بینند. به گذشته باز

نظرات ضد جنگ

در مؤنث

روزشنبه ۱۸ بهمن ۶۵ - ۷ فوریه ۸۷

به دعوت و احضاری نهضت مقاومت ملی ایران شاخه، مونیخ، مدها تن از ایرانیان جلالی وطن کرده، در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در شهر مونیخ واقع در آلمان گرد آمدند و طی شعاریها بی هشت سال حکومت تواتر ما جنایت و گشتار رژیم ولایت فقیه و دامنه جنگ خانمانسوز کتونی را محکوم کردند.

در این راهبیمائی! اعتراض آمیز ایرانیان بلاکاردهای رژیم خمینی، پرچم ایران و تمام بردگتر شاپور بختیار را با خود حمل می کردند و شعاریها دادند: تا بودی خمینی استقرار آزادی، شاعر ملت ما است.

بقیه در صفحه ۵

## فریبی زیر نام پادزهر کمونیسم

مواپیمایا و آدمکش فلسطینی در آلمان فدرال، ظهورنا هدهائی حاکی از یک تدارک وسیع تروریستی در اروپای باختری و پیش از آن شدت گرفتن عملیات جنگی در کناره های شمال غرب نزدیک بصره و جبهه های میانی که بنابر تخمینی در همسان دو هفته اول بیش از صد هزار کشته و زخمی و ناقص العضو (تنها سهم ایران) بجای گذاشت، سلسله حوادثی است که منطقی باید معماران پل ارتباطی با رژیم آیت الله و کاشفین "رگه های اعتدال و میانه روی" را قانع کرده باشد که به روی پای کاذبی دل بسته و سخت به بیراهه رفته اند. با اینهمه پیدا است، این جماعت را تا بیداری کامل قلمه بسیا راست.

بقیه در صفحه ۳

موج تازه ای آدم رباشی در لبنان و مخصوصاً پس از دستگیری محمد علی جماد

پناه اندگی سیاسی

بنا به تخمین ها بین یک و نیم تا دو میلیون ایرانی در خارج از کشور بصری برسد. با زهم بنا به تخمین ها ده ها هزار تن از این ایرانیان، در کشورهای میزبان به عنوان پناهنده، سیاسی زندگی می کنند. در حقوق بین المللی، بنا به تعریف، پناهنده کسی است که اگر به کشورش بازگردد خطری یا زندانی شدن روبروست، بی آنکه امکان آن را داشته باشد که مطابق موازین مندرج در اعلامیه حقوق بشر، از خود دفاع کند.

بدین ترتیب پناهنده گسی سیاسی یک روی سگای است که روی دیگر آن را رژیم تشکیل می دهد که نه تنها به اصول مندرج در منشور سازمان ملل و اعلامیه حقوق بشر، بلکه به قوانین خود نیز بی اعتناست. تا رژیمی به درست جنین شهرتی پیدا نکند، کشورهای دیگر درخواست پناهنده گسی سیاسی شهروندان آن را قبول نمی کنند.

تدبیر وزیران یا کرامات اولیاء؟

در صفحه ۶

قیام ایران

دو هفته گسی

اخیراً "هسته های نهضت مقاومت ملی ایران در داخل کشور، که ما موریت توزیع قیام ایران در سطح مملکت را بر عهده دارند به ملاحظه مشکلات توزیع نشریه در قطع کنونی - پیشنهاد کرده اند که کوتاه شده، مقالات قیام ایران، در قطع کوچک چاپ و برای آنها ارسال گردد تا بر مشکلات و خطرات کنونی توزیع فائق آیند.

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۱

پیام رادیویی دکتر شاپور بختیار

به ملت ایران

نمایندگان از طرف تمام ملل و نسل ، از تمام مذاهب و همه ساکنان این بین المللی ، گوشه های کم و بیش مادی نه ای را در راه استقرار صلح شروع کردند . در ۲۷ اردیبهشت ۶۴ با وجود رژیم ترور و اختناق ، بمنظور ابراز زتنفرا ز جنگ و طرد دستگا آخوندها ، صدها صدها هزار نفر در تهران و شهرستانها به دعوت من به کوچه و بازار آمدند و نفرت خود را از حکومت آخوندی و جنگ بی حاصل در خاک دیگران ، ابراز داشتند . نمایندگان خارجی - مخصوصاً دول بزرگ - بچشم دیدند که ایران مخالف جنگ است و با اکثریت قاطع بر ضد حکومت ترور خمینی متحد است .

در همان ایام مزه تمویب یک حکومت مشکل از آخوندهای معتدل و میانه رو ، جسته و گریخته ، بگوش رسید . نهضت مقاومت ملی بدون تاخیر تأیید ، با تشکیل چنین حکومتی مخالفت صریح خود را شروع کرد . از این فکرو این رویه تا زمانی که من زنده ام دفاع خواهم کرد . هر حکومتی با هر نیرنگ و دستاویزی که اجنبیان از شکم رژیم فعلی بخواهند بیرون بیاورند ، با مخالفت شدید و مستمر ما مواجه خواهد شد . حکومتی که دلسوز مردم ایران نباشد و ملی گرائی را کفر بداند و با ارتجاع و اجنبی وابسته باشد ، مثل استعمار غیر مستقیم ، خدا زادی و خطرناک است .

بودند . بطوریکه با اسلحه و همکاری اسرائیل ، لشکر اسلام خمینی برای فتح بیت المقدس در حرکت است . در این رهگذر صدها هزار جوان و نوجوان ایرانی تا کنون در با تلافی عراق فقط برای دوام و بقا بی رحم ترین و کثیف ترین دستگا هتاریخ معا صرنیا ، به دیار نیستی فرستاده شده اند .

شما عزیزان من ، بایدها نیستد که خمینی و یارانش سعیت ذاتی و نفرت از ایران را به تمام میخانه اند و در مدت ۸ سال اسارت ، ایران جز نفرت و جنگ و بی اعتنائی نسبت به سرنوشت مردم بی دفاع کشور ، ارمغانی نداشتند .

مردم جهان میدانند که دستگا هکنوسی ایران بوسیله شیادان سودپرست و بودخواه اداره میشود . در حالیکه دول بزرگ در کمال بیشرمی ، با ارسال اسلحه - ادوات حکومتی - این دستگا هتکا را آسان می سازند ، با این امید دارند که در ایران فساد و آنگاه که از دل این حرامیان ضدبشرو ضدایرانی فاش شود ، با بندوبست های قبلی و قرار و مداخله های استعماری ، از باقیما نده رفق مردم ایران بهره بگیرند . بهر حال وظیفه ما روشن است . از هم اکنون در کوی و برزن بگوشید و تکرار کنید که ما دیگر به حکومت آخوند ، با دستار و با بدون دستار ، تن در نخواهیم داد . هر قدر گرایش مخفی و آشکار دولت های بزرگ بسوی آخوند بیشتر شود ، نفرت و انزجار ما نیز بیشتر خواهد شد .

اگر نوجوانان سادهدل ما ، که خون خود را در این جنگ خونبار ریخته اند ، بپیرمردان و پیرزنانی که زیر آوار جان می سپارند نمی دانند که روح الله خمینی چرا جنگ را تمام نمی کند و چرا بر طبق آخرین اظهارات و احقانه اش ، بایدها تا آخرین قطره خون ایرانی ریخته شود ، شما عزیزان من ، بایدها کنید و به آنها تفهیم کنید که آخوند دستور گیرنده از قدرتهای است که ایران را ناتوان ، فقیر و عقب افتاده میخوانند . شما در چنین این همه بدبختی که "حکومت الله" خمینی بر سرمان آورده و می آورد و در میان خاک و خون ، از من میبیرید که چه بایدها کرد؟ آنچه را که قبلاً" گفتیم بجای خود بایستی است . زیرا از با و ره های همیشگی من است ، اما اکنون به دوسه نکته مهم توجه شما را جلب می کنم :

اول آنکه در این ایام عصرت و سختی و روزگاری که شهرهای زیبای ما ، یکی بعد از دیگری ، از ساکنان خود خالی میشود ، در انتظار چاره جوئی از طرف آخوندها و دستگا ه حرامیان نباشید . خودتان همت کنید و در مناطقی که دور دست و شهرها تا آنجا که میتوانید ، به درد هموطنان خود برسید . یک حرکت تعاون

عمومی و مددکاری هبستگی ملت را زیادتر میکنند ، شما را از دل و جان به هم نزدیکتر می سازد . در حدود امکانات ، هر چه دارید با هم بخورید و با هم در تمام موارد چاره جوئی کنید . چشم امید به دستگا ه کنونی ایران نباشد ، دستگا ه شماست و نوجوانان خود را از گزند دلان مرگ دور نگاه دارید . هم روز به بچه ها و جوانان بایدها و روشی ده هشت سال پیش خمینی چه گفت و اکنون چه میگوید و با ایران و ایرانی چه میکند .

دوم آنکه چون حفظ احوال و مسالمت رزات ملی و فدا یکتا توری ، مستلزم عدم وابستگی به بیگانگان است ، اگر دولتی بخواهد امکاناتی در اختیار ما بگذارد و آنرا مشروط به پیروی از روشی کند که در نتیجه آن استقلال سیاسی و اقتصادی ما از بین برود ، همه یکدل و یک زبان ایستادگی و مخالفت کنیم ، ما کینه هیچ قومی یا ملتی را در دل نداریم و از روی ما صلح و بیطرفی برای تمام مردم دنیا است .

مهر به میهن ، به هر درجه ای که برسد ، نفرت از بیگانگان را نباید به همسراه داشته باشد .

ما از ابتدای جنگ احقانه و بی حاصل میان ایران و عراق را محکوم کردیم و در تمامی محافل جهان گفتیم که با کمال تا سف در مقابل کشتار بی رحمانه مردم ایران و عراق ، دول بزرگ با وجود تظاهر به جانبداری از صلح ، گنا هکارند . ما در استقار دمکراسی - استقلال و عدالت اجتماعی از ملت ایران االها می گیریم و اصرار داریم که دیگران برای ما الگوسازند . آخوندهای دون صفت و طماع همانقدر در اشتبا هستند که آنها تکیه در خارج از کشور ، تصور می کنند که با رده یگر کشور ایران ، با دادن این همه قربانی و تحمل تا کاس می و زجر ، به وضع قبل از فتنه خمینی بازخواهد گشت . این همه اصرار و تلافی مضحک برای دست یافتن به "عنا صر میانرو و باصطلاح "معتدل" ، از میان وحشی روحانی شما ، کار مردم ندادن

است . برای ما ملی گرایان ، ایران و ملت ایران یک واقعیت جا و دانه است و بر سر استقلال و آزادی آن حاضر به معامله نیستیم . البته آخوند فدا ایرانی ، که ملی گرائی را کفر می شمارد و برای او ایران مفهومی ندارد ، تا ماده هرنوع سازش برای بقا خودخواهد بود . ولی هر نوع کمک مادی یا معنوی به نهضت مقاومت ملی ، نمیتواند مشروط باشد . اگر دولتی در مدعیان فتنه اشخاصی گوش بفرمان باشد ، پیدا کردن اسم و آدرس آنها کار دشواری نیست . ولی بهر حال بایدها شنیدند که دوران نوکران با عمامه و بی عمامه بیا ن رسیده است .

سوم آنکه برای سرنوشتی خمینی ، که اکثریت قاطع مردم ایران آرزوی آن را دارند ، ما به سرعت مشغول گسترش هسته های مقاومت و پیوند دادن آنها به یکدیگر هستیم . شما به دستورات نهضت مقاومت ملی بایدها گوش فراد دهید . بر طبق خواسته شما هر ۱۵ روز یکبار شما را در جریان امور خواهم گذارد . اکنون که شما دانستید که چرا در کارها براندازیمان تا کنون تاخیر شده ، بخود آید ، اولین حرکت شما اظهار زتنفرا ز جنگی است که در قیافه منحوس خمینی تجلی میکند . این جدجنگ بایدها زمان برداشته شود .

من از دل و جان و بمنعوان یک انسان ایرانی ، برای خاتمه جنگ و کشتار میگویم . با شماست که مرا در این نبرد صلح جویانه یا ری دهید . ما دستورات را با در نظر گرفتن امکانات شما خواهیم داد و میدانیم که تا زمانی که این جنگ ادامه داشته باشد ، آخوند حرامی و غلزن دست از سر ایران بر نخواهد داشت . ما در حدود قدرت خود شما را راهنمایی و مساعدت می کنیم ولی با رها گفته ایسم که او بوزیسیون واقعی در خود ایران است که بالاترین حد در درونج را هر روز تجربه می کند . بالاتر از رسیا هی رنگی نیست . از دستورات مثنی جنایتکاری رومی شعور سر با زنی دوبه همه بگوئید که چرا حساب و آینه کشورهای جاه طلبی مثنی آخوند شود؟

رژیم این تبهکاران را محکومیم تا آزادی و پیشرفت برای ایران میسر شود . همه جا بگوئید و بنویسید - و در این مورد اصرار میکنم - که ایران هرگز نخواهد مرد .

قیام ایران دو هفتگی

بقیه از صفحه ۱

جانب نشریه مخصوص ارسال به داخل ایران از این هفتگی مین گردد . بنا بر این سراسر از شما رشمساره ۱۹۱ - شماره ۱۹۲ قبا ما بران بجای پنجشنبه ۷ اسفندماه برابر ۲۶ فوریه ۶۵ ، روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ۶۵ برابر ۵ مارس ۶۵ ، منتشر خواهد شد . بدیهی است که ترتیبی اتخاذ خواهد شد که مسترکین کرامی ما ، که وجه اشتراک یک ساله ما همدردا خت کرده اند ، از این تنخیرا هنگا نشا رزیانی نیستند و در مجموع ۵۲ یا ۲۶ شماره نشریه را دریافت دارند .

این سببها در نورای نویسندهگان قیام ایران بررسی شد و اصولاً مورد موافقت قرار گرفت . ولی آنچه که جاب و اشتراقیما ما بران به دو صورت و قطع مختلف ، شامل هزینه های اضافی می شود ، در وضع کنونی که عمده مکانات نهضت منوجه داخل کشور است ، افزودن هزینه تا زهای بر بودجه نشریه مطبوعات دیده شد . در نتیجه بنا به توصیه شورای نویسندگان و تصویب هیئت اجرائی نهضت مقاومت ملی ایران ، قرار بر این شد که قیام ایران سراسر از این بجای نشر هفته ، هر دو هفته یکبار منتشر شود و هزینه

## فريبي زير نام 'پادزهر کمونيستم'

ويها زاء آن جسديا کلي ( رئيس سرويس سي . آي . اي در لبنان ) را تحویل بگيرد . . .

و در بي اين اقدام برون زسومين هواپيماي حامل اسلحه را بسوي تهران اجا زدهدهد . نويسنده مي گويد " فهم مطلب دشوار نيست و اينهمه را مي توان در يك عبارت گنجانند " معامله اي بسوي آزادي گروگانها صورت گرفته است " وايسن واقعيي است که کاخ سفيد از قرار بيه آن امتناع مي کند و البته اقرا دخا صي مثلا" ديپلماهاي امريکايي نيز که در حوزه ي خاور قرا ردا رند ، چنين " سياسي " رانائيد مي کنند زيرا مي دانند ، در آخريسن مرحله ، با پرداخت باج و جايزه اي بسه آدمکشان و آدم دزدان جا ن آنها را

اين اگر مقصود ، رها ئي از اين شرا ئي آزا ردهنده است ، با يدا ز اين وقايع درس گرفت و درس بزرگ اين است که رئيس جمهوري بروا قعيت اعمال خود اعتراف کند و در عين حال خود را ز حلقه ي آدمهاي " بله بله قربا نکو " و رها نند و اگر چنين نکنند ، همچنان بصورت بيگ گروگان ، در بند مشورت هاي سنجيده و شوم ترا ز آن غرا ئز شخصي خو يش با قسي خوا هدمانند .

گفتيم ، تا سه هفته ي پيش يعني تا آغاز يورش هاي تازه بصرفه موج گروگانگير بيها ، مسير اصلي تحليل هاي مطبوعاتي و راديو تلويزيوني و حتي بررسي ها و با رجو ئي هاي کنگره منحصر " به اينگونه مباحث تعلق داشت ، ولي در جريسان



از مجله اکسپرس شماره ۱۲ تير ۸۷

وقايع اخير کا ملا" مشهود است که بخلاف آن چه از زبان زما مداران کاخ سفيد ( هدف اصلي ) تبليغ شده است آهسته آهسته مسائل جدی تر و اصولی تري توجه عمومي را جلب مي کند و جاي جاي پرسش هاي از اين قبيل مطرح ميشود که : " آيا اصولا" شناخت بيگ قشر معتدل و ميانه رو ( و هوا خواه نزديکي به غرب ) درون رژيم آيت اللهها ، بربک تحقيق مطمن و قابل اعتنا متکي است ؟ و يا نه - بيگ سلسله اولوا هر فريبنده بنده بوده است ؟

آيا " معماران پل ارتباطي " به صرف اينکه جما عتي از آخوندها به دوستي بسا غرب " چراغ زده اند " بيگدار خود را به آب سپرده اند ؟

" فردريک - وي اکسيلگار د " کارشناس برجسته ي مسائل خاور ميانه در مرکز مطالعات استراتژيک دانشگاه چرچان و ن طي مقاله اي دروا شنگتن بست زير عنوان " از چه روسي است هاي کاخ سفيدنا درست از آب درآمد " ، براي اوليسن بار بررسي هاي جاري را که عملا" در امر تشخيص هدف ها ( آزادي گروگانها ) و يا " کمک به ميانه روا " رسوب کرده بود ، به مسير جدي انداخت و بدينگونه در

خواهند خريد . چندي پيش جورج بسوش معاون رئيس جمهوري همچنان ادعا کرد که : ديپلما سي ايالات متحده همچنان بر اصل پرهيز ز تماس با تروريست ها جريان دارد و بهمين دليل هرگونه معامله اي را با آنها مطرودميداند . ولي کيست که نداند اين ادعا ئي بوج و تو خالي است . " کهن " مقاله ي خود را با اين عبارات بيابان مي بزد : " ما مدعي نيستيم که حکومت ما از بيگ جمع ربا کار تشکيل شده است - ولي بهصراحت مي گوئيم که اينان مردمانی هستند در غايت بيخبري و بدتر از آن ، افرادی خودخواه که خود را در داييره ي بسته اي حبس کرده و گوش ها را بروي هردلالت هوشمندانه اي بسته و عنا صراگما هي را که قا درند با رئيس جمهوري " آزادانه " به منظره بنشينند از گروه خود را ندانند " - " حالیکه در واشنگتن ، در وزارت امور خارجه ، در وزارت دفاع و در کنگره شخصيت هاي بسياري هستند که از " بله بله قربان - گوئي " پرهيز دارند و متاء سفاکانه هيچگاه آنها را به مشورت دعوت نميکنند دليلش اين است که اين مردمان را آقاي دونالد ريگان تا بنمي آورد . . . بنا بر

ارتباط با حوادث تازه بنيا دامهاي رئيس جمهوري را زير سؤال قرار داد . اکسيلگار د در ابتدای تحليل خود بسه سخنان ريگان ، در بيا مسيزده نوا ميروي استناد مي کند که بتکرا رطي آن ادعا کرده است : " مقصد اصلي اودستياسي بيگک ملخ شرافتمندا ندر خليج فارس و احيا " ثبات منطقه ي نفتي خاور ميانه نه بوده است . " و در بي آن مي پرسد : " آيا با کسترش جنگ و تشا جم نيروهاي رژيم تهران به بصره وقت آن نرسيده است که رئيس جمهوري بر شکست برنا مه و نادرستي ديگدا ههاي خود ، توضيح قا نع کننده اي ارائه دهد ؟ "

" آيا حجت الاسلام رفسنجاني که ظاهرا" توجه برنا مه ريزان کاخ سفيد را بعنوان رهبر نيرو مند جنا ح ميانه رو ( و شما يل به غرب ) رژيم برانگيخته است ، همان نيست که در حال به بسط جنگ و ضرورت غلبه بر رژيم عراق ياي ميغشا رد ؟ "

اکسيلگار د ، ميگويد : " استدلال ريگان و شما ورين همراي او با ناء کيد پسر ارزش هاي سوق الجيشي ايران و حساسيت موقع اين کشور ( از باب مجاورت با اتحاد شوروي ) ، دانما " در جهات اشيا تا اين نظريکا رآمده است که رفع اختلاف و با زگشت به مناسبات عادي بسا ايران براي ديپلما سي ايالات متحده جنبه ي حياتي دارد - آنها در عين حال مدعي شده اند که جمهوري اسلامي نيسز حندي است براي پايان دادن به نزواي بين المللي و با زيا بي نقش خود بعنوان بيگ رژيم مسئول درخا نوا ده ي جها ئي به کوشش هاي دست زده است . " ولي جزئيات وقايع جاري گوا هي ميدهد که " تقلاي جمهوري اسلامي براي نجات از بن بست نزوا ( خواه در قبال شرق و خواه در رابطه با غرب ) تنها در راستاي اين هدف بوده است که عراق را ايجانيداري شرق و غرب محروم کند و رژيمي شه خود و دست نشانده ي خود در ايران کشور را لوده

بريزد و از آن پس نيز ديگران را مرحله به مرحله زانودر آورده ، با فهم اين واقعا تا است که با ايالات متحده با بسد بسا از آنکه رويه ي خطرناک کنوني بنا بر استمرار به جزئي از سياست دراز مدت امريکا تبديل شود ، از برداشت هاي فعلي خود چشم بسود و راه رفته را ترک گويد . " اکسيلگار د در زميندي خطر نفوذ شوروي که به بهاي نهي اعلي ارتباط با رژيم تهران تبديل شده معتقد است : " اين نظريسه تيز ديگرا اعتباري ندارد ، حتي همانها که در کاخ سفيد فراوان بر آن تکیه ميکنند ، بروشني مي دانند که موقع کنوني شوروي در ايران بدا نگونه که بيشتر کمان ميرفت ، از نيروي تعيين کننده اي برخوردار نيست . "

تحليل گرا امريکايي با توجه به هوا دشي که به سفر مک فارلين و معا مله با رژيم تهران انجاميد ، نتيجه مي گيرد : " زبان بزرگ در آنجا ظا هر شد که ديپلما سي ايالات متحده در چشم جها نيا ن بعنوان بيگ ديپلما سي دنيا له رونقش گرفت ، زيرا طراحان کاخ سفيد ، بجاي اتکاء بسه اطلاعات و دريا فت ها و نتيجه گيريهاي مستقل خود ، به تشويق هاي اسرا ئيل



### ایران و خاور میانه



### در مطبوعات بین المللی

## قرور بست دیپلمات

مجله نیوزویک چا پ آمریکا نوشت، بنا بر دریا نی، یکی از دوتغری که سال گذشته با جاکذا شدن یک اتوموبیل اوپل قرمز رنگ دریا ریس از جنگ پلیس فرانسه گریخت، دیپلمات سفارت جمهوری اسلامی درم و یکی از رهبران شبکه های تروریستی رژیم تهران در اروپا و بویژه آلمان فدرال است.

به نوشته نیوزویک، محمد علی حسامی تروریست لیانی که اخیراً با مقام دیر زیا دی موا دمنفجره در فرودگاه فرانکفورت دستگیر شد عضو یک شبکه تروریستی جمهوری اسلامی در آلمان فدرال است که به وسیله ناصردریا شی دیپلمات جمهوری اسلامی اداره میشود.

مجله نیوزویک به نقل از منابع اطلاعاتی می نویسد: ترور علی اکبر محمدی خلیان پیشین هاشمی رفسنجانی که به تازگی در هانمبورگ صورت گرفت تحت نظر ناصردریا شی انجام گرفت.

یادآوری می کنیم که سال گذشته ناصردریا شی در حالی که همراه با یک ایرانی دیگر در پاریس رانندگی می کرد مورد سوطن پلیس قرار گرفت و با جاکذا شدن اتوموبیل گریخت، در اتوموبیل وی علاوه بر گوا هیئا مراه رانندگی و وراق هویت او مفا دپوزیا دی اسلحه و مهمات کشف شد. دریا شی که از مضمونیهات دیپلماتیک برخوردار است توانست از توقیف پلیس آلمان نیز بگریزد.

مشکلان سازمانهای امنیتی در مورد بمب گذاری در یک فروشگاه هانمبورگ آمریکا شی در شهر فرانکفورت در نوامبر ۱۹۸۵ نیز به ناصردریا شی ظنین هستند.

نیوزویک دوم فوریه ۸۷

## مذاکرات اسد-مبارک

به گزارش خبرگزاری فرانسه از قاهره و دمشق وجود بحث وجدلها شی که بین قاهره و دمشق جریان دارد به نظر می رسد که برای نخستین بار از سال ۱۹۷۹ چهار رجب گفتگوها شی بین مصر و سوریه در حال مشخص شدن است. از زمان امضاء پیمان "کمپ دیوبند" بین مصر و اسرائیل، روابط مصر و سوریه قطع شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، حسنی مبارک در نطقی طولانی که روزیکشنبه اول فوریه به مناسبت روز پلیس ایراد کرد و قسمت عمده آن اختصاص به ملاقات وی با حافظ اسد در کویت داشت، گفت: رئیس جمهوری سوریه پیشین در ایستگاه عزرا نما پنجاهی به دمشق جهت بررسی اوضاع و احوال فعلی پذیرفت.

قرارداد "محمودریا شی" وزیر مورخچه پیشین مصر و دبیرکل سابق جامعه عرب به این ماموریت اعزام کرده بود.

محمودریا شی هنگام امضای پیمان کمپ دیوبند در زمان انور سادات مخالفت خود را با این قرارداد اعلام کرده بود.

قبل ازگردهمایی هفته گذشته کشورهای اسلامی در کویت، محمودریا شی به کویت رفته بود تا از برخورد احتمالی سوریه و مصر درکنفرانس اسلامی جلوگیری کند.

کردکده حافظ اسد پیشین دوی را به شرطی پذیرفته است که پس از "بررسی اوضاع" مصر و سوریه در حضور سایر عرب بر سر یک میزبشینند و به مذاکره برآیند.

حسنی مبارک افزود: حافظ اسد در همان حال که گفت: مرا درکنفرانس اسلامی میفرزد گفت: تا زمانی که قرارداد کمپ دیوبند لغو نشود همچنان مرا مورد حمله قرار خواهد داد.

خبرگزاری فرانسه ۳ فوریه ۸۷

### فروش اسلحه اسرائیلی به جمهوری اسلامی

## استثناء در قانون

اسحق شمیر، نخست وزیر اسرائیل، در مصاحبه با هفته نامه فرانسوی "لوپوئن"، درباره برابری بین فروش اسلحه اسرائیلی حاضر در جمهوری اسلامی، اسلحه تحویل دهد گفت:

سیاست عمومی ما آن است که به ایران اسلحه فروخته نشود، اما هر قانونی استثناء های خود را دارد. و این معامله نیز از جمله آن استثناء هاست. از یک سو، آمریکا بی ه با این کار را میسر خواهد بود که بتواند گروگان های خود را آزاد سازد. از سوی دیگر، غرب میل داشت که ایران پس از مرگ خمینی یکباره دستخوش شوروی قرار بگیرد.

ترکیب این دو عامل، یعنی آزادسازی گروگان ها و خواست آمریکا برای ازسرگیری روابط با ایران، ما را به فروش اسلحه به رژیم تهران مجبور کرد. وی گفت:

می توان انتظار داشت که پس از مرگ خمینی تغییراتی بوجود آید. در هر حال باید برای چنین تغییراتی آمادگی داشته باشیم. اسحق شمیر درباره سخن خبرنگار لویوئن که پرسید آیا بنظر او حمله فعلی ایران به عراق نگران کننده است یا خیر، گفت: به گمان من به این زودی ها جنگ به پایان نخواهد رسید. و به یقین جمهوری اسلامی نخواهد توانست درآینده ای نزدیک به موفقیتی دست یابد. به نظر اکثر کارشناسان نظامی،

لوپوئن - دوم فوریه ۸۷

## افراطی یا اعتدالی؟

ما جرای "ایران گیت" وارد مرحله تازه ای می شود. به نوشته روزنامه واشنگتن بوست تماس های دولت ریگان با افراطیون جمهوری اسلامی بوده است. این روزنامه در شماره مورخ یکشنبه ۸ فوریه ۱۹۸۷ سندی انتشار داده که کساح سفید را در محظورتا زهای قرار می دهد.

بموجب این سند دولت ریگان به برای آزادی گروگان در مقابل دریافت اسلحه، بخلاف آنچه مدعی بود، با عنان افراطی رژیم تهران مذاکره کرده است.

سند منتشره از طرف واشنگتن بوست بر اظهارات پرزیدنت ریگان که گفته است با عنان اعتدالی جمهوری اسلامی، بهم درجا رچوب ملاحظات ژنرال استرا تریک و تا مین روابط بعد از مرگ خمینی، تماس گرفته بوده، صبر باطل می زند.

این سند حاکی است که در ماه ژوئیه گذشته در اورشلیم، ملاقات و مذاکره ای بین جورج بوش معاون ریاست جمهوری آمریکا با یک مقام بلندپایه ایرانی صورت گرفته است و از طرف دیگر تا شش ماه می کنده که اسرا شیل نقش مؤثری در معاملات با تهران بازی کرده است.

بموجب نوشته این روزنامه آقای امیران نیر، مشاور عالی دولت اسرا شیل برای مسائل مربوط به تروریسم، به آقای بوش گفته است که اسرا شیل کانال ها شی برای ارتباط با ایران باز کرده و گفتگوها با افراطیترین عناصر جمهوری اسلامی، که هیچ اعتقادی به همکاری استراتژیک با واشنگتن ندارد و تنها هدفشان بدست آوردن اسلحه است، جریان یافته است.

## تورم گروگان ها

۱۲ نفر از ۲۴ گروگان خارجی در بیروت، در سه هفته اخیر ربهوده شده اند. این گروگان گیری ها به چه منظوری است؟

اولاً "کسب پول": تمام گروگان ها شی که تاکنون آزاد شده اند، خرج گزافی برای دولت های متبوع خود داشته اند.

ثانیاً "گروگان ها وسیله تصرف دولتهای غربی از محاکمه و مجازات تروریست های زندانی، مانند محمد علی حمانه در آلمان و آنیس نقاش و ابراهیم عبدا لله در فرانسه، هستند.

ثالثاً "گروگان گیری میتواند زندها خلسه نظامی قدرت های غربی جلوگیری کند. مثل ربودن "تری ویت" نما پنجاه سقف اعظم کاخ ترابوری که با موضوع تحرک ناوگان شام آمریکا در مدیترانه بستگی دارد.

به این عناصری که بیستون قوا عدکلاسیک گروگان گیری شناخته شده اند، زچندی پیش یک بعدتا زه نا فاش شده است:

گروگان گیری برای تسهیل قاچاق اسلحه در سطح بین المللی و مخترع این شیوه جدیدیک ایرانی بنام هاشمی رفسنجانی است. میدانی که بزرگترین ترستان سلاح های جدید در کناره های خط العرب واقع است. در این منطقه از شش سال پیش جنگی در جریان است که عمده ترین مصرف کننده سلاح های بیچیده است. از تحقیقات اخیر گنگره آمریکا، دنیا کم کم دارمی فهمیده چگونه موشک های ضد "تانک" و "موشک های زمین به هوای" ها و "وسایل سلاح های مدرن به قوای جمهوری اسلامی می رسیده است و نیویورک تا بمزاکنون برده از این را زیر می دارد که این سلاح ها قسمت آشکار یک قاچاق عظیم اسلحه است که نظامی های وزارت دفاع آمریکا - سی. آی. - موساد و قاچاقچیان آمریکا شی - اسرا شیلی و سعودی در آن دست داشته اند.

اکنون همه میدانند که در ۱۹۸۵ بوده که به برکت وجود گروگان ها، چراغ سبز کاخ سفید برای تحویل سلاح های مورد نیاز ایران

## تظاهرات ضد جنگ

### در مونیخ

بقیه از صفحه ۱

ایرانیان شرکت کننده در این تظاهرات در حالیکه کنسولگری جمهوری اسلامی از طرف پلیس آلمان شدت مخالفت می کند، پس از استقرار در ریسرا برسا ختمستان نما بندگی جمهوری اسلامی، با سردادن شعارهای میهنی، جنگ و قربانی شدن جوانان بدست جمهوری اسلامی و فشار و تصبیق در حق زنان و همه مردم ایران را که وسیله رژیم اسلامی اعمال می گردد، محکوم ساختند.

در پایان، قطعنامه زیر قرائت گردید و مورد استقبال شرکت کنندگان واقع شد:

ما شرکت کنندگان در تظاهرات روز ۱۸ بهمن ماه ۱۳۶۵ در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در مونیخ، اعلام می داریم، ... جنگ خائسان براندا زملایان با عراق که روزانه با عت کشتار رهزنان نفسز از مردم میهن ما می گردد، جنگی است خلاف منافع و آرمان ملت ایران. حاصل جنگ کشتار هموطنان و ویرانی شهرها و مراکز صنعتی و همچنین به غارت دادن نرتنه های ملی، و سرکردن جیب سوداگران بین المللی اسلحه است. لذا ما تظاهرات کنندگان خواهان قطع فوری بمباران شهرها و ختم جنگ هستیم.

- حاصل ۸ سال حکومت ملایان، جسز ویرانی، جنگ، مرگ و اختناق برای مردم ایران چیزی نبوده است. اکنون اکثریت قریب بداتفاق مردم ایران مخالف رژیم خمینی بوده و مصمم اند که با ختم دادن به این رژیم که نتایج تاریخی مملکت ما است، برچشمه و آزادی، استقلال و دمکراسی را در سرزمین ایران برافرازند و حکومتی بر مبنای قانون و فرهنگ ملی در ایران مستقر سازند.

شرکت کنندگان در این تظاهرات سران بنیستیا شی در اینج خود را از این خواسته بحق ملت ایران اعلام می دارند و مصمم اند با تمام قوا از مجازات بحق نیستت مفا و مت ملی ایران بهره گیری دکترا بورخیتر را، در جهت براندازی هر چه سریع تر این رژیم و تحقیق بشدن به اهداف ملت ایران بنیستیا شی نمایند.

یادآوری می کنیم: در همین روز در یکی از مراکز جمعیت شهرها مینسورگ تظاهرات علیه جنگ، تروریسم خمینی برگزار گردید. در این تظاهرات که به استنکار ایرانیان دمکرات تشکیل شده بود، تعداد زیادی از طرفداران نهضت مفا و مت ملی ایران مقیم ها سورگ شرکت نمودند.

علاوه بر این در شهرهای کوبننگن، کلن، نیز در مرکز شهر اعضاء و طرفداران نهضت مفا و مت ملی ایران، اقدام به سخنرانی اعلامیه های فارسی و آلمانی نمودند.

روشن شد. گفتگوی معامله بین معامله گران ایرانی و اسرائیلی شروع شد. در آغاز سال ۱۹۸۵، مذاکرات برای تحویل یک بارشی بسیار بزرگ اسلحه به علت مخالفت شمون پرنز، نخست وزیر وقت اسرا شیل، دجا روقفه شد. در این لحظه حیا شی بود که ها شمی رفسنجانی پیشین با آزادی یک گروگان آمریکا شی را در کف سه ترازو گذاشت. از آن موقع چرخه ها به حرکت درآمدند. ملایان تهران همبده بودند گروگان های آمریکا شی برای دولت آمریکا رزشی زیا دتر از آنچه آنها تصور کرده بودند، دارند و او را درکن در آنجا در با زار معاملات مرفه زیا دی برای ادا به جنگ دارد. مدت دو سال از یک طرف اسلحه تحویل می شود از طرف دیگر گروگان های آزاد می گردند و بعد از آزادی گروگان ها، جایش را با گروگان دیگری به عنوان سرمایه تا زهر می کردند. در این ماجرای افسانه مانند واسطه بین آمریکا و جمهوری اسلامی، آقای "تری ویت" نما پنجاه سقف اعظم کاخ ترابوری بود. ولی ماه موریت آخرا و خطرناک می نمود. زیرا بعد از افشای افتخاح "ایران گیت" آمریکا ناچار شد تحویل اسلحه به ایران را متوقف کند. آیا "تری ویت" متوجه این تغییر جدید وضع نشده بود؟ سفیرا نگلس در بیروت تمام کوشش خود را برای منصرف کردن او از اقدام در این مرحله بکار برد ولی نتیجه گرفت. تری ویت به بیروت رفت و از روز ۲۷ ژانویه تا گماننا بدید شد.

امروز با ۲۴ گروگان درانبار، آدم ربایان امیدزیا دی دارند که معاملات از سر گرفته شود.

کوتاه شده از نول اسرا و شور ۱۲ فوریه





روز شنبه ۲۵ دی ماه یک روز پس از شروع عملیات کربلای ۵ من آغازم خرم آباد شدیم تا برای هموطنان خارج از کشور گوشه ای از زندگی درم کوبیده شده، یگانه شهری را غریبی را گزارش کنیم. هنگامی که وارد خرم آباد شدیم با اینکه هنوز شهر مورد حملات هوایی قرار نگرفته بود و وسایع کاملاً آشفته به نظر می رسید. خرم آبادیها می دانستند که وقتی بروی هدف قرار می گیرند خرم آباد همی نصیب می آید.

### الانات و سایر نامی کننده

#### کوست دم نوب

ارحمنی ما تا ورودم به خرم آباد به تحقیق پرداختم. این شهر با جمعیت تقریبی نیم میلیون نفر تنها شهری است که جمعیت روزوشیش متغیر است و معمولاً روزها تا ۳۰٪ بر جمعیتش افزوده می شود و این به خاطر هجوم روستائیان و عشایر اطراف است که برای خرید و فروش به شهر می آیند و غروب مهاجرت می کنند. بیست و هفت روزم خرم آبادی می گوید خرم آباد از روال زندگی عادی خارج شده است شهر ما بطور مداوم در معرض تهدید بمباران است. بی گفای بی شواهم با سیاست های غلط اقتصادی رژیم پادشاهی و کشاورزی که هسته سا زنده زندگی مردم این ناحیه بوده است به هم ریخته و خرم آباد بهیچ وجه مردم شهرها بی هستند که رژیم بسیار از آنها کشته و زخمی کرده است و با به فقر و تنگدستی گشا نده است.

حداکثر ۹۰٪ مردم خرم آباد با عملکرد رژیم مخالفند در حالیکه اکثریت مردم به خصوص عشایر اطراف به آیین اسلام دلچسپی دارند و بسیاری از مردم خرم آباد و عشایر ممکن است نماز نخوانند اما سران را برای دین می دهند، رژیم در جنگ با عناصر چپ از اسلام خواهی و عناصر پروسدها برده و ناچپ ها می خواستند نظراتی بکنند به عناصر خرمی داد که کوبیستها شهر را تصرف کرده اند اما رژیم به همین عناصر که بیستون دین آنها را به جندی کشند هر چه نکرده است. اخیراً "عشیره" بزرگ بیسرا و ندرات تحت فشار

قرار داده است بعد از این عشیره عشایر کوبیست و حسن و ندهم محرومند و عشایر "بایی" حزب اللهی هستند و اغلباً فرادسیح از همین عشیره اند هنگامی که در شهرها و نواحی روستاها عمومی ترین وسیله نقلیه شهری است به گردش پرداختم و با مردم به گفتگو نشستیم متوجه شدم که مردم با نفرت از حکومت و خرابی ها و بدبختیها یاد می کنند. یک جوان خرم آبادی در بازار علفی کوبین فروشان به من گفت: بی بیینی اینها همه روستائیان هستند که با بدبختی و داری کنند حالا دولت از آنها قاچاقچی کوبین ساخته

است. در هر گوشه و کنار زخمی شدگان حملات موشکی را می بینیم با سرو وضعی دلخراش و فحش و نفرین بارش حکایتهای تلخی از رژیم داشتند و فشرده و تخصصی شهری بود که تا چند سال پیش از مسرا کوز مهم تولید محصولات کشاورزی و دامداری به حساب می آمد. مخالفت علنی و آشکار مردم با رژیم از یک طرف و حرکت گروههای بسیجی از سوی دیگر مبران داشتند تا این تناقض را بشکافیم. یک کاسب عادی خرم آبادی جوابم را خیلی روشن داد. او گفت حساب مخالفت مردم خرم آباد با رژیم و شرکتشان را در بسیج ها از هم جدا کنید. خرم آبادی و مخصوصاً عشایر نیم میلیون طرف شهر زکودگی با اسب و سلاح بزرگ می شوند. یکی از مهمترین مسئله ذهنی خرم آبادی اینست که چگونه جوار سلاح بگیرد. از درگیری خوششان می آید اسم "دعوا" را گذاشته اند جنگ و رژیم زمین نقطه ضعف پسرده برداری می کند. از طرفی با توجه به فقر فرا بند روستائیان بی چیزا متیارات زیاده ای هم به بسیجیها می دهد اگر محصلی یک دوره بسیج را بگذراند تا پنج بار اگر رد شود با زهم امتحان می شود. یک مجتمع آموزشی به نام رزمندگان راه انداخته اند که برجسته ترین معلمان در آنجا تدریس می کنند. خیلی از محصلین که ۱۵٪ دشمن رژیم هستند به قول خودشان برای اینکه وقتشان تلف نشود و مردود نگردند به بسیج می روند در حالی که ممکن است در بسیج همه عمرشان تلف شود عشایر حالا دوروا حدهای کشاورزی را قلم گرفته و به قاچاق کوبین و مزدوری در جنگ و بازی با سلاح روزگار می گذرانند در حالیکه مردم شهر به خصوص حقوق بگیران وضع دلگیرکننده ای دارند. گرا به خانه

## گزارش از شهر موک خورده خرم آباد

### از گروههای خبری نهضت مقاومت ملی ایران

در خرم آباد هم سطح تهران است و بهای کالاهای اساسی غیر قابل تحمل و در چنین شرایطی ضربات ناشی از بمبارانها و غیره در اقصا دکانها و نواحی کمرنگی گذاشته است. اغلب کارمندان می گفتند برای ادا معز زندگی ناچاریم در شان روزیک نوبت غذا بخوریم و بچه ها بمباران اغلب بیماریهای ناشی از کمبود تغذیه دارند.

### روز شمار موشکی

روزیکشنبه و دوشنبه که بمباران شهرهای اطراف چون بروجرد و نهاوند شدت گرفت خرم آباد بهیچ وجه خورده برای قرار زهر آلوده می کردند. این راه هم بنویسیم که خرم آباد تقریباً یک شهر نظامی است. با دکان با عباس در غرب خرم آباد به فاصله ۱۰ کیلومتری شهر قرار دارد. دریا دکان بدرآباد ۸۴ مستقر است در شمال شرقی با دکان حمزه در وسط شهر با دکان زاندری - ویک با دکان بزرگ هم به نام با دکان سوار. به خاطر اینها و همچنین دولت به خانه چال و زانده که حالا هر دو بر اثر حمله هوایی از بین رفته اند. بعد از خرم آباد در نسبت به بروجرد و سایر شهرها تا حدودی تقویت کرده اند اما این بداند که تکیه اصلی آن بر توشیهای ضد هوایی کرده است کاری از پیش نمی برد و مردم همچنان خود را در برابر حملات هوایی عراقی ها بی دفاع می بینند. بهرحال مردم شهر وحشت زده برای خروج از شهر به تکانها و فتنه بودند و من سبل مجاری وحشت زده را می دیدم که سوار بر وانت وسواری و مینی بوس عازم روستاهای اطراف بودند. ترس و وحشت و نگرانی در آینه رخساره های کدشت سر می گذاشتند به خوبی در سیمایشان دیده می شد. بعضی ها که فامیلی در روستاها نداشتند به استانهای می رفتند و تقاضای کار می کردند. استانهای به مردم پریشان و وحشت زده چادر می فروخت تا بیرون در خارج شهر در سرمای سیاه زمستان چادر بزنند به جای اینکه در فکر ساختن پناهگاه باشد به فروش چادر مشغول است. یک مردوزن نسبتاً مسن با یک بچه کنار خیابان منتظر او ایستاد بودند. پرسیدم به کجا می روید گفتند فامیل دارم در روستا می رویم پیش آنها می مانیم پرسیدم خانها تا شتان چه می شود؟ گفتند در حملات فعلی دو برمان را از دست دادیم خانها تا شید را می خواهم چه کنیم.

سری به مدارس زدم تا ببینم آنجا چه خبر است؟ یک دبیر جوان گفت: از دیروز بخشنا مه کردند در حضور و غیاب سختگیری نکنید. هر کس تیا مدبر پیش غیبت نگذارید امروز نصف بچه ها نیا شدند. پرسیدم تکلیف شما چه می شود؟ خندید و گفت: ما نوکر دولتیم، گفتند اما دولت: شما با بدبختیها و فقر امانا؟ کنید پرسیدم در موقع حمله بشهر چه می کنید؟ باز هم زهر خند زد و گفت: اگر صدای موشک را شنیدیم که می فهمیم زنده مانده ایم و اگر نشنیدیم که در آن دنیا آب خنک می خوریم گفتیم آبریز ططور؟ گفت: اغلب در این شهر موشک ها زودتر از آبریز می رسد. پرسیدم درمدا رس فکری برای پناهگاه شده است؟ آخر اینها یکی از هدفهای نظامی عراق است. گفت: دولت خوش است؟ چه کسی به فکر این حرفها است شهادت اجل است نه زنده مانده اند.

سه شنبه صبح وضع شهر آشفته تر بنظر می رسید: خانه دوباره هوا بمباران عراقی در آسمان شهردیوار صوتی را شکسته بودند و بروجرد و نهاوند را نیز در هم کوبیده بودند. نوبت شهر پادشاه افتاد شهر آشکارا از دور و زین خلوت تر بنظر می رسید و فرار از شهر آشکار تر. ساعت ۱۱/۲۵ دقیقه صبح بود که سن سوار تاکسی در خیابان در شهر حرکت می کرد چنه شلیک وحشتناک

و بیابایی موشک های عراقی تاکسی را از جا کند. نیمه پاره ای چرخید. به یک اتوموبیل وانت برخورد کرد و بروجرد ایستاد. صدای انفجار، صدا، شکسته. شیشه ها، صدای شیون مردم و ضجه زنان و تارکی ناشی از غبار و فروریختن ساختمانها فضای تلخ کننده پدید آورده بود. من سرزنده فریاد زدم بروجرد را ننده درجا خنکش زده بود و از پیشانی خون می ریخت در تاکسی را گشودم و او را با خودم بیرون کشیدم و توی جوب خوابیدم. هوا بمبارانها چها رفتند از نوع میراژ بودند و بعداً معلوم شد ۱۵ موشک هوا به زمین به روی شهر شلیک کردند پدافندها خیلی دیر عکس العمل نشان دادند. پدافندها چها رولهای گراهی است که برده می شود سه هزار توپا تصدیا است و میراژها در ارتفاع دوبرابر پرواز می کردند. ارتشی های ناحیه بعداً به من گفتند: دو مرتبه ای که عراقی ها دیوار موشکی را شکستند در حقیقت با عکس برداری از محل استقرار پیدا فندها، نقطه کور را یافته بودند و ترس تا ارتفاع ۳۵۰ پایی فرود آمدند. من خدمت دیدم که چگونه میراژها به سوی ساختمان های شهر شیره می زدند. تمام طول محله ۵ دقیقه بود و همین که مردم خود را یافتند با شیون وزاری به طرف محل های اما بت بعب به راه افتادند هم دیگران لگدمی زدند، جیغ می کشیدند، اتوموبیل ها از وحشت در حال فرار به هم می کوبیدند و من در جستجوی گروهی های اما دیدم و فکرمی کردم حالا اما جمعه و خیل آخوندها و استا ندر حوزب اللهی از راه می رسند و به کمک می شتابند. یک مردم محترم محلی به من گفت: یک بمب به استا ندری خورده بود بین جیغ می کشیدیم اما جمعه کجا است؟ گفت: حجت الاسلام حسینی میباید که بهترین محصول رفته است "تجره" که بهترین محصول تریاک رستان از آنجا است. در جلو استا ندری محضری برپا بود. موشک درست روی آستانت جلوا استا ندری خورده بود و به علت برخورد با آستانت نفوذ نفا را نفا رخ بشهر استا ندری خورده استا ندری گاه "ملا" ویران شده بود. می گفتند نوب استا ندری جلسه ای بوده اما استا ندری نبوده است. در جلو عمارت جسدین محل جوان لت و پوا را فتنه مدبری می گفتند که مدرسه اش در آن حوالی است برای خوش خدمتی دختر بچه ها را مجبور به آمدن به مدرسه کرده و بچه ها دریا زگشت از مدرسه درست جلوا استا ندری طعمه موشک می شوند. عده ای خیر آوردند که پشت با زا زکمر بندی - زیر گروه مجلسی تخمی بوده که موشک همرا بکجا کشته است. در خیابان علوی به موشک خرابان و خانه های اطراف را به گودال خونی تبدیل کرده بود. به خانه های سا زانی و بسا غ دختران هر کدام یک موشک اما بت کرده بود. در این ها هو فرفریا دلنماش مجروحین و کسان کشته شدگان هنوز زنده است. مداد خبری بودند حمایتی، مردم زیر تلهای خاک جستجویی کردند. عده ای همراه با بیرون کشیدن اجساد زخمی ها فریاد می کشیدند خدا لعنتتان کند. چرا دست از سر ما بر نمی دارید؟ چرا جنگ را تمام نمی کنید؟ کم کم جمعیت به اعصاب و افتادده بود که اولین گشت تا رالها وارد خیابان علوی شد. فکر کردم برای کمک آمدندا ما جوانی که به من کمک می کرد تا مجروحی را سوار اتوموبیل کنم گفت: اینجا فقط آمده اند که معترضین را بگیرند. هفته پیش برای زهر چشم گرفتن از مردم ۴۰۰ نفر را در تاکسی ها و وانت با رها و قهقهه خنده ها گرفتند که چرا از امام انتقاد می کنید. در همین زمان چند "لودر" برای خاک برداری رسید مردم زاندرن لودرها احمهارا در هم کشیدند پرسیدم چرا تا راحت شدید؟ گفتند: اینجا می آیند و بدون هیچگونه اقدام احتیاطی با بیلیجه خود می زنند زیر خاک و اگر کسی هم زیر خاک زنده شد با

ضربه همین بیلیجه ها می میرد. بار اولی که عراقی ها خرم آباد را زدند تا چند وقت اغلباً زبرکیه های خاک که لودرها درست کرده بودند قطعات جسد ناشناسی بیرون می آمد و مردم شهر را به گریه و شیون می انداخت.

به اتفاق چند زخمی به بیمارستان شهید رفتم. تصور می کردم در این شهر نیم میلیون بیجا زخمی ها را - موشکی و با توجه به حوادث گذشته حالا سرویسهای بهداشتی و جراحان و زبیده آما ده عمل هستند اما فقط چند پزشک بنگلادشی زخمی ها را با نسمار کردند و آنها بی که جراحان سنگین بود روی سوراخها می خوابانند تا اتوبوسی برسد و آنها را به تهران حرکت دهد. در طول یک ساعتی که در بیمارستان بودم چهار زخمی درجا مردند یک در بیمارستان مرد به من گفت: ما در خرم آباد چند بیمارستان داریم بیمارستان عشاری - بیمارستان رحیمی - ایران - اطفال اما هیچوقت بیشتر از یکی دو جراح وجود ندارد. در شرایط جنگی دارو پیدا نمی شود. بنی سلبین دارم، آب فقط چند پزشک بنگلادشی ندادیم هر چه به تهران می نویسیم اینجا منقله جنگی است دارو نیا زدا ریم کسی جوا بگویند. تا غروب زدم در خانه شهرها و تیرستان زنگ زدیم در خانه که مشغول شگفتی چند سرباز دیدیم که مشغول آتشباری مقتولین موشکی بودند. یکی از آنها گفت: تا بحال ۱۳۵ شهید شستو دادیم مدتی هم هست که کوی گونی جمع کردیم، نمی دانیم سر مال کی دست و پا و تنه مال کدام است

کمان می گفتم توی محله صبح امروز ۴۰۰ تایی کشته شده ایم. دولت فردا تعداد تلفات خرم آباد را در روز سه شنبه ۲۳ دی صد نفر اعلام کرد و در تمام این مدت هیچ مقام مسئولی ندیدم که امورا مدعا دوما لچه با خاک برداری و برقراری نظم در بین فراریان را زیر نظر بگیرد. من تا روز جمعه در شهر بودم. حالا دیگر همه چیز در هم ریخته و با شیده بود با شکه با سرعت تخلیه و در سالن یک مدرسه در حومه شهر مستقر شده بودند. ادارات را هم از شهر بیرون می بردند. آموزش و پرورش تعطیل کا مل اعلام کرده بود. معلمین و دبیران غیربومی عازم شهرهای خود می شدند. خانه ها اغلب قفل می شد و شهر چون طون زده خالی از حیات به نظر می رسید. ۲۴ ساعت تمام سرگردان یا فتنن وسیله نقلیه ای نبودم که مرا به تهران برساند. گریه به یک اتوموبیل سواری به تهران ۵۵۰ تومان است. اتوبوس ها را دولت به جیبه برده بود و اگر اتوبوسی ورقه خدمتگذار جبهه را نداشت با ساران دریا سگا های طول راه مسافران را بیاید می کردند. توی هوا اتوموبیل یا وانت تا کسی چند سرورکله گشته و زخمی با نگاه گنگ و ماتشان به آینه ده تا معلومی ندیدند حاجی آقا بیایه جی. همچنان در "تجره" روزگار را در سکوت خوش ده می گذرانند حتی روز جمعه هم به خرم آباد مسافرت تا نماز بخواند و به امام دعا کند. مردمی که از شهری گریختند میسران "گشت یا جعفر" و تا شیشه ها بودند گشت یا جعفر از مطای به ما جعفر آباد می آید که می گویند همه شان با بگه دزدی دارند. میزان خرابی گنه فقط در محله اول موشکی در روز ۲۳ دی ماه به این شهر وارد شده غیر از خسارات جانی سربها میلیون ها تومان می زند. خیابانها، خانه ها، تاسیسات، رفاهی و اداری که بی سالیان دراز و به کوشش نسل های بی دربی ساخته و پرداخته شده از زمین می رود و هیچ برنا مه ای برای تجدید ساختار و کمک به مردم وجود ندارد. حکومتی که مدعی است می خواهد تا رفع فتنه در عالم بکنند شهرهای آبادش را بی دفاع به نایب می کشاند. هیچ کس نه در مرکز و نه در خود شهرها به فکر هیچ چیز و هیچ کس نیست. کسانیکه سا ختمانها بیان ویران می شود دیگر کمک و دریافت نمی کنند و صد ها مجروح بی خانمان که بعد از زهر حمله بروجادی می ماند به فرا موشی سپرده می شوند. اما معاملات قاچاق کوبین و رزاق عمومی کماکان برقرار است.

روز سه شنبه ۳۰ دی ماه با ریدگر خرم آباد به شدت بمباران شد و روز سه شنبه با ساران باقی مانده به قدری راکه در هیچ روستا و شهری آشنا و ما و ندارند به زور سلاح و بهیانه اینک عراقیها می خواهند شهرها بمباران شیمیایی کنند از خرم آباد خارج کرده و شهر نیم میلیون تعطیل اعلام شد.



در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۴۳ سفیر کبیر انگلیس طوسی نامه ای خطاب به وزیر امور خارجه اطلاع داد که کنسرسیومی از شرکت های بزرگ نفتی به صورت موسست تشکیل شده و ماده مذاکره با ایران می باشد و این گروه مرکب از شرکت های زیر است: پنج شرکت بزرگ آمریکا یعنی نیوجرسی، سوکونی، کالیفورنی، گلف و تکزاس هر یک به اسم هشت درصد (جمعاً ۴۰ درصد)، شرکت نفت انگلیس با سهم ۴۰ درصد، شرکت شل با سهم ۴۰ درصد و شرکت نفت فرانسه با سهم ۴۰ درصد، اضافه کرد که این گروه بمجرد اطلاع از ماده مذکور دولت ایران نمایندگانی برای شروع مذاکرات به تهران خواهد فرستاد. روز ۲۲ فروردین نمایندگان کنسرسیوم وارد تهران شدند. در تاریخ ۲۱ فروردین هیئت وزیران انجام مذاکره با کنسرسیوم را بموجب تصویب نامه هیئتی مرکب از دکتر علی امینی وزیر دارائی و سها ماسلمان بیات مدیر عامل شرکت ملی نفت و فتح الله شوری اسفندیه یاری عضو شورای عالی برنامهمحول نمود. مذاکرات در موضوع شرایط قرارداد در دو مرحله انجام شد: از ۲۵ فروردین تا ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۳ و از اول تیر تا ۱۱ مرداد ۱۳۴۳ در طی این جلسات نمایندگان کنسرسیوم به عهده یکی از مدیران شرکت نیوجرسی با تعدادی معین بود. در موضوع قرارداد شرکت نفت انگلیس مذاکرات در ۱۸ جلسه بین ۳۱ فروردین و ۱۱ مرداد ۱۳۴۳ انجام شد و در این جلسات نمایندگان شرکت نفت انگلیس به عهده سفیر انگلیس و مشاورانش بود. به این ترتیب مذاکرات سه ماهه و نیم بطول انجام میدادند و نتیجه قرارداد نفتی " قانون فروش نفت و گاز " گردید. اعضای هیئت نمایندگان ایران در طول جلسات روی اصول زیر تاکید کردند: رعایت قانون ملی شدن نفت، تثبیت تکالیف که منبیشنا هم در تصدیق قرارداد بود. توجه به نفع ایران و همسایگان، ولی نمایندگان کنسرسیوم هم وجود تفاوت بین وضع ایران و وضع سایر کشورهای نفت خیز را در میان نه، ولی نمایندگان کنسرسیوم هم این اصول را رد کردند. دربارهم پیروی کامل از قانون ملی شدن نفت اظهار نمودند که بعضی از اهداف های آن بکلی غیر عملی است و دولت باید در آنها تجدید نظر کند. نسبت به پیشنهاد های گذشته هم آنها را منطقی دانستند و هر وقت به آنها اشاره می شد با اظهار بی اطلاعی می کردند یا می گفتند گذشته گذشته است و امروز با وضع دیگری روبرو هستیم مخصوصاً از آن جهت که در حقیقت با زارهای دنیا از نفت ایران بی نیاز شده اند. با لایحه دربارهم تفاوت وضع ایران با وضع سایر کشورهای نفت خیز را به غرض آنکه چنین تفاوت وجود داشته باشد برای شرکتها به هیچ وجه ممکن نیست که در تعیین شرایط معامله منصفانه نسبت به ایران قائل شوند چون در آن صورت چنین تبعیض موجب برهم زدن قرارداد های موجود در سایر کشورهای نفت خیز خواهد شد و لطمه بزرگی به منافع شرکتها وارد خواهد آمد. در یک جلسه بعد که نمایندگان آنها را در دولت ایران نمی توان در مقام بل مجلسین چنین استدلال کرد که شرکتها با حفظ منافع آنها که در سایر کشورهای دارند حاضرند اما حق ایران نیستند. نمایندگان کنسرسیوم در جواب گفتند موضوع برای ما حیاتی است و اگر شما قادر به مذاکره کردن مجلسین نیستید بهتر است از معامله با ما صرف نظر کنید.

## فواد روحانی

# مصدق

## وفهضت ملی ایران

### در کشاکش چپ و راست

### خبران مذاکره با کنسرسیوم

بطوری که گفته شد قرار بود پنج شرکت بزرگ آمریکایی هر یک با سهم ۸ درصد عضو کنسرسیوم باشند اما قبلاً از توشیح قرار داد سهم هر یک از شرکت های مزبور بنا به درخواست دولت آمریکا به ۷ درصد کاهش داده شد و سهم ۵ درصدی که با این ترتیب آزاد شد به ۹ شرکت مستقل آمریکایی ( غیر عضو کارتل بین المللی ) واگذار گردید. شرکت نفت انگلیس با سهم ۴۰ درصد، شرکت داچ شل با سهم ۱۴ درصد، و شرکت نفت فرانسه با سهم ۶ درصد.

#### ناحیه قرارداد

همان ناحیه امتیازی شرکت نفت انگلیس و ایران با تغییرات جزئی در مورد جزایر خلیج فارس.

#### مدت قرارداد

یک دوره اصلی ۲۵ سال و سه دوره تمدیدی هر یک ۵ سال ولی تمدید اصولاً در اختیار شرکتها بود و اگر آنها تقاضای تمدیدی کردند دولت عملاً مجبور به قبول آن بود. بنا بر این مدت حقیقی قرارداد ۴۰ سال بود و مسئله تمدید فقط صورت ظاهری بود برای ارضاء هیئت نمایندگان ایران که اصرار می کردند مدت محدود به همان دوره اصلی باشد. ضمناً هیئت نمایندگان کنسرسیوم برای آنکه نفعی برای ایران در قبول تمدیدها نماند موافقت کرد که هر یک از درخواستهای تمدیدی تا ۲۰ درصد از ناحیه مشمول قرارداد باشد.

#### طرز اداره عملیات

کنسرسیوم برای اداره عملیات فنی دوشرکت به عنوان شرکتهای عامل یکی برای اکتشاف و استخراج و یکی برای پالایش نامین نمودند و ایران به نسبت رساننده کلمه " عامل " نیز فقط صورت ظاهری بود برای دولت ایران که اصرار می کرد هیچ شرکتی نباید در کار صنعت نفت ایران دخالت کند مگر به عنوان عامل ایران ولی در حقیقت " شرکت های عامل " عامل کنسرسیوم بودند نه دولت ایران زیرا وجهه سرمایه و هزینه عملیات تجاری و دستورات به اکتشاف و میزان تولید با لایش و بطور کلی تصدی همه کارها را اکتساب کنسرسیوم می گرفتند اما دولت ایران حق اظهار نظر در چرایی آن امور و نظارت بر طرز عمل شرکت های مزبور و دست رسی به اطلاعات آنها را داشت و این حق هم به وسیله عضویت دو مدیر ایرانی در هیئت های مدیره " شرکت های عامل " ( دونفر از هفت نفر ) و هم به وسیله تماس شرکت ملی نفت با شرکت های مزبور و اعضای کنسرسیوم اعمال می گردید. ضمناً چون نفت تولیدی به شرکت های عضو کنسرسیوم به نسبت سهم آنها تحویل می شد هر یک از آنها یک شرکت تجاری نامین نمودند و در ایران ثبت نمودند که نفت متعلق بخود را تحویل گرفته و به فروش برسانند. اما عملیات غیر صنعتی که جزو مورفنی نبود اما با آنها ملازمه داشت مانند ساختن خانه ها، راه سازی، بیمارستان و تاسیس امور بهداشتی و حمل و نقل و رفاه کارکنان بر عهده شرکت ملی بود. در ناحیه قرارداد حق مبادرت به عملیات فنی منحصر به شرکت های عامل بود اما اگر شرکت های عامل در محل معینی از ناحیه قرارداد تصدی عملیات اکتشاف و تولید را مقرون به صرفه نمی دیدند دولت می توانست اگر چنین عملیات یعنی اکتشاف یا پالایش یا لوله کشی را به صرفه خود تشخیص دهد فقط در آن محل و البته به خرج خود اینگونه عملیات را اجرا کند به شرط آنکه نفت تولیدی از آنرا فقط به مصرف داخلی تخصیص دهد و به خارج مازاد نکند.

#### ترتیبات عالی

فراهم نمودن تسهیلات تا بت بر عهده شرکت های عامل بود. اینگونه تسهیلات به مجرد نصب دارائی شرکت ملی محسوب می شد و شرکت بهای آنرا در ده قسط سالانه مساوی به بستانکار حساب شرکت های عامل می گذاشت. اما شرکتها در ازای حق استفاده از تسهیلات تسهیلاتی معادل هر یک از اقساط بدهی شرکت ملی بعنوان استهلاک به بستانکار حساب شرکت ملی منظور می کردند و این دورقمی ها را بستانکار می کردند. در مورد تسهیلات موجود از زمان شرکت سابق شرکت های عامل استهلاک آنرا خود برداشت می کردند. با این استدلال که شرکت ملی چیزی از بابت بهای آنها نپرداخته بود. فراهم نمودن لوازم منقول نیز بر عهده شرکت های عامل بود. کسبه های آنرا جزو هزینه های جاری منظور می کردند. استهلاک اشیاء منقول موجود از زمان شرکت سابق را شرکت های عامل طبق همان استدلال مربوط به تسهیلات تا بت به نفع خود بر می داشتند. تهیه هزینه عملیات غیر صنعتی با کمناصفه بر عهده شرکت ملی و شرکت های عامل بود بطوری که در بخش قرارداد استهلاک امسال باقی مانده از زمان شرکت نفت انگلیس ملیتی معادل ۲۱ میلیون لیره از درآمد فروش نفت به نفع خود برداشت کردند.

#### میزان تولید

در آخرین سال عملکرد شرکت نفت انگلیس یعنی ۱۹۵۰ در حدود ۲۳ میلیون تن نفت در ایران تولید گردید ولی طی مدت چهار سال بعد تولید نفت ایران جمعاً از ۲۳ میلیون تن تجاوز نکرد. دولت ایران چون در نتیجه توقف صنعت نفت در دوره بحرانی دچار مضیقه مالی شد و بدهیها زیاد شد و در نتیجه دولت کنسرسیوم به ترتیبی عمل کند که ایران هر چه زودتر مقادیر قابل از ملی شدن نفت تولید کند و در نتیجه نفت کشورهای نفت خیز منطقه را در دست آورد ولی در مدت بحرانی صنعت نفت ایران شرکت های کارتل برای جبران کمبود نفت ایران میزان تولید را در کشورهای دیگر منطقه یعنی کویت و عراق و عربستان سعودی بالا برده بودند و نمی خواستند میزان تولید در آن کشورهای بکاهند. با لایحه نمایندگان کنسرسیوم موافقت کردند که تولید نفت خام به قدری که طی سالهای ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ به میزان ۲۵ میلیون متر مکعب برسد ولی نسبت به سالهای بعد بدون تسهیلات از نفت تولید فقط پیش بینی کردند که صد و هشتاد و سه میلیون تن نفت را تولید کنند و این افزایش بر اساس معامله مساوی با سایر کشورهای نفت خیز و همسایگان و متناهی با از دنیا دمصرف نفت در نیمکره شرقی صورت خواهد گرفت.

#### ترتیب معاملات

تعیین درآمدهای ایران از معامله با شرکت های کنسرسیوم تابع یک فرمول پیچیده و غیر واقعی بود به این معنی که ظاهر امر عبارت از فروش نفت از طرف شرکت ملی به اعضای کنسرسیوم ( برای رعایت موری قانون ملی شدن ) و باطن امر اعمال یک ترتیب امتیازی طبق روش معمول در سایر کشورهای منطقه بود. شرکت های آمریکایی نمی خواستند خود را در مقام بل مقابله با لیاقتی آمریکا خریدار نفت و پرداخت کننده قیمت آن معرفی کنند چون در آن صورت مشمول پرداخت مالیات بردار می شدند و این امر برای آنها نفع نداشت. در حالی که آمریکا می توانست از نفت تولیدی خود در کشورهای مربوطه قائل شوند خود را صاحب نوعی " نفع اقتصادی " نسبت به عین نفت تولیدی معرفی می کردند که با طبق رسم آمریکا می بایست در ازای آن مبلغی بعنوان بهره مالکانه به صاحب اصلی حقوق بپردازند. این پرداخت که در آمریکا معادل ۱۲ یک دوم درصد قیمت نفت تولیدی بود به صاحب معدن تعلق می گرفت در فرمول معاملات ایران نیز تحت عنوان " پرداخت مشخص " و نه بهره مالکانه منعکس شد. با این تفاوت که اینجا نیز این پرداخت فقط صورت ظاهری بوده و واقعیت نداشت زیرا عیناً " ازبدهی مالیاتی شرکتها کسر می شد. ترتیب مقرر در قراردادها این بود که هر یک از شرکت های بزرگانی که نفت سهم خود را از شرکت ملی به وسیله شرکت های عامل تحویل می گرفت تا آنرا به صورت نفت خام و یا قسمتی نفت خام و قسمتی تصفیه شده در پالایشگاه آنها در آنجا صادر کنند. صدور نفت خام یک فرمول حاکی از فروش آن در ایران بر اساس قیمت اعلام شده بود. شرکت های بزرگانی روی این قیمت منهای مالیاتی بعنوان تخفیف و حق العمل فروش مالیات بردار می بخشیدند. در ۵۰ درصد رژیم ۵۰/۵۰ معمول در سایر کشورهای نفت خیز می پرداختند.

چنین تبعیض موجب برهم زدن قرارداد های موجود در سایر کشورهای نفت خیز خواهد شد و لطمه بزرگی به منافع شرکتها وارد خواهد آمد. در یک جلسه بعد که نمایندگان آنها را در دولت ایران نمی توان در مقام بل مجلسین چنین استدلال کرد که شرکتها با حفظ منافع آنها که در سایر کشورهای دارند حاضرند اما حق ایران نیستند. نمایندگان کنسرسیوم در جواب گفتند موضوع برای ما حیاتی است و اگر شما قادر به مذاکره کردن مجلسین نیستید بهتر است از معامله با ما صرف نظر کنید.

شرح کوششی که هیئت نمایندگان ایران طی جلسات عمومی و شخصی دکتر امینی طی تماس های خصوصی با سفیر انگلستان و آمریکا و نمایندگان کنسرسیوم برای احقاق حق ایران به عمل آوردند تا بدینجا به تفصیل در تاریخ عقد قرارداد کنسرسیوم ضبط شود. اما اینجا فقط به ذکر موضوع های عمده ای که آنها طرح و با جدیت تمام تعقیب نمودند ولی در نتیجه سرسختی نمایندگان طرف ( و احساس خود را بر بر لزوم پایان دادن به وضع بحرانی) نتوانستند به کرسی نشاندند اکتفا می کنیم: سهمین نمودن ایران در کنسرسیوم، اجتناب از عنوان تصنیف عواید ( رژیم ۵۰/۵۰ ) بجای پرداخت بهای نفت که تفصیل آن ضمن شرح مقررات قرارداد کنسرسیوم خواهد آمد و عناوین دیگر که جزئی از ترتیبات امتیازی بود، آزاد بودن شرکت ملی نفت در صدور قسمتی از نفت تولیدی به حساب خود مخصوصاً برای ادا مبالغه با شرکتها ( بی ویژه ژاپنی و ایتالیایی ) که در دوره بحرانی با شرکت ملی معامله کرده بودند، تسریع در پالایش کردن عیار صادرات، احتساب سهم ایران از عواید فروش نفت تصفیه شده بر اساس قیمت واقعی نر و آورده ها و نه به عنوان حق العمل پالایش و بخصوص واگذاری کلیه عملیات به شرکت ملی نفت با این تفاوتها هم که هر موه سه ای که تشکیل آن برای رساندن نفت ایران به بازارهای جهان لازم باشد عامل واقعی شرکت مزبور و تابع دستور آن شرکت شناخته شود، محدود نمودن قرارداد به بیست سال، قبول حکومت قانونی ایران و نه اصول قانون بین المللی در صورت بروز اختلافات و رجوع آن به داور، در نتیجه عدم توفیق در احراز این نکات قرارداد می که منعقد گردید در حقیقت منعکس کننده نظریات نمایندگان ایران نبود و بدون تردید وجود یک وضع اضطراری در آن تاسیر داشت.

#### نتیجه مذاکرات

قرارداد فروش نفت و گاز ( معروف به قرارداد کنسرسیوم ) در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۴۳ امضا شد و در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۴۳ آنرا به تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا رسید. این یک خلاصه ای از مندرجات آن:

#### طرف های قرارداد

همسایگان عزیز  
هر روز تلفن خبری نهفت بمقامت  
ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح  
شماره ۲۳ بهمن آخرین خبرهای  
ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵-۹۰-۴۰۵  
تلفن



ماه سرکساده بارگان

سراب پیروزی

بقیه از صفحه ۱

اولین نخست وزیر  
جمهوری اسلامی، در این نامه از سکوت  
مقام های جمهوری اسلامی درباره میزان  
وحشتناک تلفات انسانی و ضربه های  
مرگبار عراق بر شهرهای ایران ابراز  
تعجب کرده است.

با زرگان در نامه خود، شخص هاشمی  
رفسنجانی را هدف حمله قرار داده خطاب  
به وی می گوید: " شما با حرف های ناشیانه  
و ناسامول خود، ایران را در جهان منزوی  
کرده اید. چه کسی به شما حق داده است که  
زندگی نسل های کنونی و ثروت و منابع  
بیکران ایران را نابود کنید تا به گفته  
خودیک مرد را تنبیه کنید، ولو آن که این  
مرد، بزرگ ترین جنایتکار رهنه قرون و  
اعصار باشد؟

آیا تنبیه او به قیمت جان مدها هزار و  
شاید میلیون ها ایرانی و انهدا م کمال  
شهرهای ایران، کار درستی است؟  
کدام جویان است که برای گرفتن انتقام  
خون یکی از گوسفندا نش که گرگ ها او را  
دریده اند تمام می گله را به کام مرگ حتمی  
بکشند؟

هفت سال است که شما در محراب سوزان  
سراب ها دنبال پیروزی می گردید. در  
این اشنا، شعار " جنگ، جنگ تا پیروزی"  
شما دارد به " جنگ، جنگ تا نابودی"  
تبدیل می شود. چه کسی به شما اجازه داده  
است به بیانه سقوط صدا محسن، ملت را  
به سوی نابودی کامل ببرد؟ در حالی  
که با کنار رفتن مدام، یک دیکتاتور  
دیگری دولتی هوادار آمریکا جا نشین  
وی خواهد شد که شما گفته اید آن را قبول  
خواهید کرد.

با زرگان خطاب به شما مدارا را رژیم  
تهران می گوید:

" شما کشور ما و ملت ما را به سکوت و  
خاموشی کشانده اید. جنگ را بی جهت  
طولانی کرده اید تا بتوانید قدرت لاسرزان  
خود را در درون مرز تحکیم کنید. به همین  
دلیل است که نمی توانید تغییر  
دیپلماتی بدهید.

با زرگان در نامه سرگشاده خود می گوید  
که هاشمی رفسنجانی که منشاء و مبدا  
تصمیم های بزرگ شده است، باید مسئولیت  
وضع کنونی را که به بین بست رسیده است  
دریست قبول کند.

با زرگان می گوید: " اسرائیل، فاتح  
اصلی این جنگ است، اسرائیل آتش  
جنگ را در من می زند و آرزوی نابود شدن  
نیروهای نظامی دو کشور را دارد."  
در پایان، با زرگان از رفسنجانی می  
پرسد: " آیا می خواهید این جنگ را تا  
نابودی آخرین خانه های مردم و تا  
آخرین نفر در ایران و عراق ادامه  
دهید؟"

کونا شده زلوموند - ۹ فوریه ۸۷

تری ویت

هنگام فرار

مجروح شد

به نوشته نشریه آلمانی بیلد -  
زا بیتونگ، تری وایت فرستاده وی ویژه  
اسقف کاترلی بوری هنگا می که سعی داشت  
از دست ربا پندگان خود بگریزد، به شدت  
مجروح شد.

بیلدزا بیتونگ می نویسد: تری وایت  
موفق شده بود ز زندان مخفی خود خارج  
شود. اما به هنگام فرار با یک نگهبان  
مواجه شد که با مسلسل دستی به سوی او  
شلیک کرد.

به نوشته بیلدزا بیتونگ تری وایت در  
خطر مرگ قرار دارد. وی که فرار کرده برای  
آزاد سازی گروگان های آمریکا در  
لبنان می نجات می دهد، از سوی ربا پندگان  
خود محاکمه ای اسلامی شده است.

تلاش تری وایت برای فرار سه شنبه  
گذشته صورت گرفت. از سوی دیگر نشریه  
انگلیسی تا به نوشت: تری وایت که  
چندی پیش به بیروت رفت، از سوی گروه  
اسلامی که وی برای آزادی گروگان های  
آمریکا بی با آنان مذاکره می کرد،  
محاکمه و زندانی شد.

به نوشته تایمز، تری وایت که در حال  
انجام مذاکرات با گروهک تروریستی جهاد  
اسلامی بود، با زدا شدت گردید.

در عین حال، کاخ لامیت، مقر کلیسای  
انگلیس، و وزارت امور خارجه انگلستان  
از هرگونه اظهار نظری در این باره  
خودداری کرده اند.

به گفته منابع آگاه در بیروت شخصی که  
نام او فاش نشده، درباری ریوی تری  
وایت گفت: گروگان گیرها، حفظ حیات  
تری وایت را تضمین کرده بودند، اما این  
تضمین شامل آزادی اقدامات وی نبود.  
پس از زبوده شدن تری وایت، تماس  
گروگان گیرها، با تمام منقطع قطع شد.

به گفته یک منبع مطلع دیگر در بیروت  
پس از آنکه گروگان گیرها مطمئن شدند  
که تری وایت قادر به فرستادن یک  
نماینده به کوییت برای آزادی گروگان  
تروریست ها و زندانی در کوییت نیست،  
تصمیم گرفتند به عنوان عدم اجرای تعهد  
وی را زندانی کنند.

لازم به یادآوری است که همزمان با قامت  
تری وایت در بیروت، یک مقام کوییتی  
اعلام کرد دولت کوییت تصمیم جدی بسته  
مجازات تروریست های زندانی در

کوییت دارد. گروهک تروریستی جهاد  
اسلامی در آزادی گروگان های  
آمریکایی خواستار آزادی این زندانیان  
شده بود.

دیوید کویسن، گروگان آمریکا شایان  
شده، به تری وایت به نقل از تروریست های  
جهاد اسلامی گفته بود که دو آمریکا شای  
دیگر از دستخواهند شد، مگر آنکه سه  
تروریست زندانی در کوییت آزاد شوند.

بر اساس یک گزارش دیگر، تری وایت در  
تا ربه ۳۰ دی ماه هنگا می که دور از چشم  
موظفان دروزی خود به دیدار یک پزشک  
شیعی در نزدیکی دانشگاه آمریکا شای  
بیروت رفت تا ببیند. بر اساس این  
گزارش گروگان گیرها در حالی که  
از همین فرصت استفاده کردند و تری  
وایت را مجبور کردند همراه آنان بروند.  
به گزارش خبرنگاری فرانسه یکی از  
نزدیکان ولید جلیل که برای آزادی  
تری وایت، نزد گروگان گیرها می نجات  
شده بود نیز هفته گذشته نا به دیدند و به  
این ترتیب هرگونه تماسی با گروگان گیرها  
قطع شد.

از سوی دیگر، از چند روز پیش پنج ناو  
چینی آمریکا پس از زبوده شدن چهار  
اساتاد آمریکا شای دانشگاه بیروت، در  
سواحل لبنان مستقر شدند و روز سه  
در بیروت به شدت شایع شده که سربازان  
آمریکایی در خاک لبنان پیدا شده اند.  
منابع مالی هنگ کنگ و سنگاپور روز سه  
فوریه اعلام کردند که نیروهای ایگانی  
برای تلافی وارد لبنان شده اند. این  
خبر، بیروت را هراس زده ساخت، اما یک  
مقام نظامی لبنان این خبر را تکذیب  
کرد.

گروهک جهاد اسلامی برای آزادی فلسطین  
دو شنبه گذشته تهدید کرده بود چنانچه  
آمریکا دست به عملیات نظامی در خاک  
لبنان بزند، چهار گروگان آمریکا شای  
را اعدام خواهد کرد.

گروگان گیرهای لبنان، روز یکشنبه  
۸ فوریه در بیروت رسماً تا شید کردند  
که تری وایت فرستاده وی ویژه اسقف  
کاترلی بیروت را زبوده اند. وی را متهم  
کردند که به نفع آمریکا جاسوسی می کرده  
است.

روز سه فوریه سال زمان تروریستی عدالت  
انقلابی، در بیانیه ای اعلام کرده که در  
بدن تری وایت یک دستگاه فرستاده  
کا رگذاشته شده بود، این دستگاه اطلاعات  
لازم برای عملیات نظامی را که می  
بایست توسط آمریکا، اسرائیل و فرانسه  
و همچنین شبه نظامیان مسیحی در لبنان  
انجام شود، و نیز شای سایی محل گروگانها  
و گروگان گیرها را در اختیار آمریکا  
قرار می داد.

خبرگزاری فرانسه

اژدهای واپسگرایی

بقیه از صفحه ۷

سلطان قرار داد با رت و تحت حمایتی  
را اضا کند. آنا تورک از آنجا آنا تورک  
سده زیر بارین قرار داد در رفت.

و امروز دوباره نسخه بدلای ملاحسای  
ایران در ترکیه، چیدسا با حمایت همه  
حاسبه ایان، می خواهد در قلم بطلان بر  
همه دستا وردهای آنا تورک بکشند و  
تلافی سستی را بکنند که دوما را آنا تورک  
خوردند.

مساله برای اینان فقط رواج دوباره  
حجاب اسلامی نیست. در ترکیه زنان می  
توانند هر طور که دلشان خواست، لباس  
بپوشند. مسافرانی که از ترکیه می آیند،  
می گویند که برخی زنان را در آنجا با  
حجاب دیده اند. دولت کاری به کارسان  
ندارد. ولی وقتی حجاب فقط پوستی بر  
مویها شد و خواهد به صورت پوستی برای  
مقاومت در آید، دولت دیگر تمسبی  
توانندیدن بی اعتنا بماند.

آنان که امروز را در انداختن سا  
حجاب اسلامی به دستا شکا می روند، فردا  
می خواهند بر مای استانبول و آنکارا

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه -

شش ماه ۱۲۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب ( نام و نام خانوادگی -  
تاری و به حروف لاتین )

نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

مایلیم نشریه قیام ایران را به  
مدت یک سال به مبلغ ...  
شش ماه به حساب بانکی نشریه ...  
به حساب پستی نشریه ...  
قبض رسید به وسیله ارسال می گردد.

تاریخ: امضا

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN  
C.C.P No: 2400118/E  
PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN  
Crédit du Nord  
78, Rue de la Tour  
75116 Paris  
Compte No: 11624700200

توجه لازم

تمتاد ارد تقاضای اشتراک را به آدرس  
قیام ایران ارسال فرمائید. نامه های  
کد به آدرس حساب پستی یا بانکی  
فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

معاون ضد انقلابی!

با برکناری سرهنگ هوشنگ صدیق از  
فرماندهی نیروی هوایی جمهوری اسلامی،  
سرهنگ منصور ستاری به عنوان جانشین  
وی منصوب شد.  
جمهوری اسلامی علت برکناری سرهنگ  
صدیق را بیماری قلبی و بستری شدن وی  
در بیمارستان ذکر کرده بود، اما به گزارش  
منابع موثق علت اصلی برکناری سرهنگ  
صدیق، فرار ستاری و سرهنگ رعدی به  
خارج از کشور بوده است. جمهوری اسلامی  
بنا بر این سرهنگ رعدی را به غرب  
نشیجه، همکار سرهنگ صدیق بگای  
دانسته به همین علت فرمانده نیروی  
هوایی را برکنار ساخته است.

گرد همای وین

بنا به گزارش رسیده، نهضت مقاومت ملی  
ایران، شاخه اتریش، طی اطلاعیه ای  
هموطنان مقیم وین را به یک گردهما شای  
در خانه ایران، در تاریخ جمعه ۲۴  
بهمن ۶۵ برابر با ۱۳ فوریه ۸۷، فراخوانده  
است.  
این گردهما شای که برای ابراز مخالفت  
با جنگ ویرانگر کنونی و اظهار نازجار  
نسبت به دفاع جمعه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۷ - که  
پایان یک درخشش کوتاه دمکراسی و  
سلطه اهریمنی ملایان بر سرنوشته ملت  
ایران بود - ترتیب داده شده است.

بقیه از صفحه ۱

وینستون بکره بطرف پلکان رفت. تلالن برای بکار گرفتن آسا نسور بپهلو شده بود. بطور معمول آسا نسور خیلی بندرت کار می کرد تا چه رسد به این روزها که مامداف بودبا "هفته تنفر" و ضمن سسایر برنامها، خاموشی برق را تمرین می کردند. در مسیر پلکان، سرهبریج، تصویرهای کوچک توی از همان صورت بزرگ بچشم می رسید که نگاهش را مستقیمسا به رهگذران دوخته بود و زیر آن نوشته بودند: "برادر بزرگ شما مینگرد!" آبا رشان وینستون در طبقه هفتم قرار داشت. در آن طرف پنجره یک هلیکوپتر در لایلهای ساختمانها چرخ می زد که گاهی مثل یک مگس آبی، بسیار دور بنظر می رسید و سپس مانند یک بیکان، با حرکت قوسی نزدیک میشد و داخل خانهها را از پشت شیشه دیده میزد. سرنشینان این هلیکوپتر یک دستا زما مورین "گشت کنترل افکار" بودند...

از فامه یک کیلومتری، عمارت بلاند "وزارت حقیقت"، جایی که وینستون در آن کار می کرد، قابل تشخیص بود. این عمارت غول آسا که بشکل هرم ساخته بودند سیمد متر ارتفاع داشت و برپایه آن، سه شاعر حزبی با حروف درشت تزیینی نقش بسته بود:

جنگ یعنی صلح

آزادی یعنی بندگی

جهالت یعنی قدرت

این آغا ز کتاب معروف جورج اورول است بنام ۱۹۸۴. کتاب ۱۹۸۴ اندکی قبل از مرگ نویسنده، در سال ۱۹۵۰ انتشار یافت و در همان سالها، روزنامه نگار و مترجم فقید ایرانی دکتر مهدی بهره مند به ترجمه آن همت گماشت اما کسانی که آن زمان این کتاب را به زبان فارسی خواندند تعدادشان زیاد نبود و حتی یکی از آنها با ورنمیکرد که ممکن است سی و چند سال بعد، داستان خیالی "اورل" در ایران صورت تحقق پیدا کند.

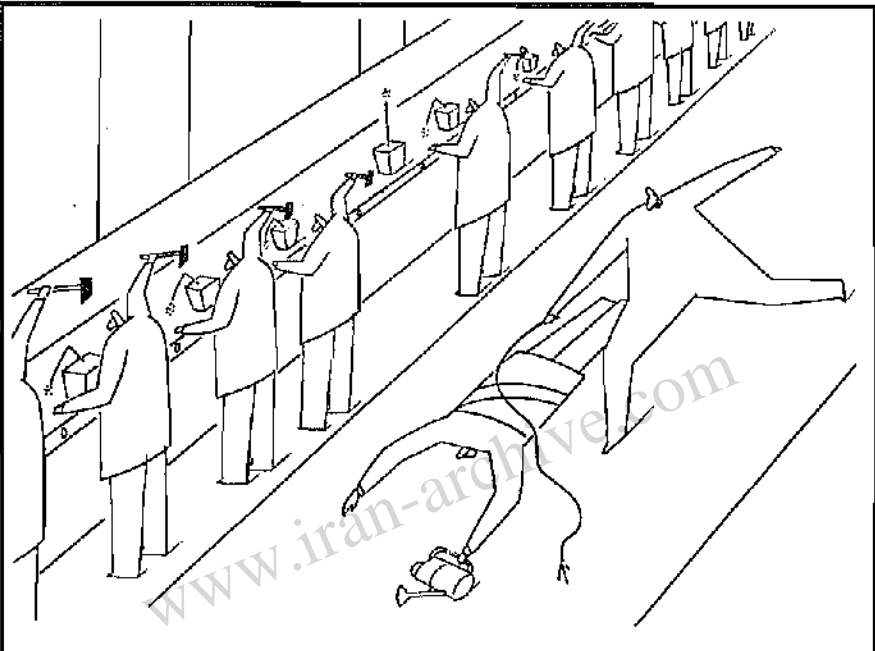
جامعه ای که آیت الله خمینی بوجود آورده دقیقاً همان جامعه اوست. همان تصویرهای بزرگ، همان شعارها، همان شعیرها، همان نهادها، همان گشتها، همان زندگی و همان رسوم و همان حرفها. بنا بر این جای تعجب نیست اگر رئیس جمهوری، در چنین جامعه ای، ساعتها حرف بزند و سخنری و کبیری بچیند و استدلال کند و نتیجه بگیرد که آزادی یعنی بندگی! حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی خا منه ای، خطبه نماز جمعه را به بحث در باره "آزادی" اختصاص داده و حرفهای بیهمبافتهاست که جوابش فقط دو کلمه است: "آقا سیدعلی آقا، برو کشتک را بساب!"

یکی از شعرای بزرگ فرانسه با مرد عوامی که در همسایگی منزل او دکان لینیات فروشی داشت سلام و علیکی برقرار کرده بود. روزی لینیات فروشی به او گفت: استاد، من اشعاری گفته ام و تمسدا رام

۱۹۲ سید علی آقا گشتکند را بساب!

آنها را چاب کنم. خیلی ممنوع میشوم اگر شما دفتر اشعار مرا بخوانید و شرحی بر آن بنویسید. تا غریب نیست، دفتر اشعار لینیات فروشی را گرفت و خواند و بعد از چند روز بضمیمه یا ددا شتی برایش پس فرستاد. این یادداشت عبارت بود از یک صفحه بزرگ کاغذ که پشت و روی آن، شاعر با خط بسیار زیبا این جمله را تکرار کرده بود: "دوست عزیز، ترا چه شاعری؟ کشتک خودت را بساب".

آزادی در فرهنگ غربی با منشاء و ریشه آزادی در اسلام و فرهنگ اسلامی بکلی متفاوت است. پس مسلمانان همانطور که اجازت ندارند گوشت خوک و شراب بخورند "آزادی" و حقوق بشر نیز بر آنها حرام است. مقدماتی را که حجت الاسلام خا منه ای چیده است اگر کسی قبول کرد طبقاً به همین نتیجه میرسد. بدلیل اینکه آزادی خا منه ای در تعریف "آزادی" آن را نقطه



آن کشورهایی در نظر بینندگان و نویسندگان غربی آزادتر است که در آن روا چیر آوردن تمنیات جنسی از همه بیشتر باشد. وقتی می پرسند کدام کشور دنیا از همه آزادتر است بعضی از کشورهای اسکاندیناوی و اروپای شمالی و شمال شرقی را که در آنها آزادی جنسی بصورت بی بندوبار و رواج دارد نام می برند. پس آزادی اساساً در مفهوم غربیاش همین است که تمنیات نفسانی و خواستها و شهوات وهوی وهوس و آزادیها شدت یابند و هرکاری که میخواهد انجام دهد... این تعریف آزادی غربی از دیدگاه حجت الاسلام رفسنجانی است. متقابلاً حجت الاسلام آزادی اسلامی را اینطور تعریف می کند: "ریشه آزادی در اسلام عبارت است از شخصیت و ارزش ذاتی انسان که بنده هیچکس غیر از خدا نمیشود و در حقیقت ریشه آزادی انسان، توحید و معرفت خدا و شناخت خداوند است..."

معنایش اینست که انسان باید از غیر خدا، چه آن غیر خدا یک شخص باشد چه یک تشکیلات و یک نظام غیر الهی باشد و چه عادتها و سنتهای رایج غیر الهی باشد با تدبیر و عبادت و عبادت نکند و فقط احکام الهی را عمل کند. نظامی را که الهی و متکی بر تفکر الهی است قبول کند. رهبر و مامداری را که ارزشهای الهی دارد اطاعت کند، ولی امری را که خدا معین کرده است مورد قبول داشته و از اطاعت کند و در همه حرکات و رفتار در این چهار چوب فقط زندگی کند و غیر از این چهار چوب هیچ اطاعتی نکند و فقط بنده باشد..."

هرکس بهر هیی از سواد متعارف داشته باشد بهولت تشخیص میدهد که بحث "آزادی" کمترین ارتباطی به بحث "توحید" ندارد و بقول خود آخوند خا منه ای "مع الفارق است". این شگرد که همه ما من معرکه گیر است که به مردها نشمنده گفت بنویس "ما را" و وقتی او کلمه ما را نوشت خودش شکل ما را روی کاغذ ترسیم کرده و به روستا نیکان بیسوا ده گفت: با نما ف بدهید، ما را نیست بی آن؟! ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه تست عرض خود میبری و زحمت ما میداری

مقابل "توحید" قرار می دهد. پس اختیار کردن "آزادی" بمعنای نفی "توحید" است و البته کسی که قائل به توحید نباشد مسلمان نیست و مشرک است. حجت الاسلام خا منه ای میگوید: "ریشه آزادی در غرب عبارت است از خواست و تمایلات انسان... در تمدن و فرهنگ غربی، صحبت از آزادی که می کنند تا مل آزادی سیاسی، پارلمانی، حق انتخاب و قانونگذاری، حق کسب و کار، روقیه امور و فعالیتهای فردی شهوانی است..."

بحث کردن در باره هر چیزی صلاحیت می خواهد. آخوندی که معنی آزادی را نمیداند و از معنی تعریف کلمه آزادی بر نمی آید چه حق دارد در باره آزادی صحبت کند؟ خودش از کلمه آزادی چه می فهمد که بخواند آن را برای دیگران تجزیه و تحلیل کند؟ بحث آزادی از آن مباحثی است که فیلسوفان و متفکران بزرگ عالم با احتیاط به حریم آن نزدیک میشوند و وقتی ضابطه عقل از میان رفت و حکومت جهل برقرار شد دیگر کسی پروای این حرفها نمی کند. حتی حجت الاسلام خا منه ای هم بخودش اجازه میدهد راجع به آزادی داد سخن بدهد و ادعا کند آنچه از زمان سقراط و فلاطون تا به امروز در باره آزادی گفته و نوشته اند حرف مفت بوده است. آزادی این نیست که انسان اراده و اختیار داشته باشد و بتواند آزادانه فکر کند و تصمیم بگیرد. آزادی اینست که انسان از خودش سلب آزادی کند و عثمان اختیارش را بدهد بدست رمال و دعانویس و روضه خوان، چون آنها عقلمان ما نسوق عقل بشر است و طبق ادعای خودشان و از طرف خدا به فرمانروائی زمین منصوب شده اند. آقا خا منه ای می گوید منشاء و ریشه

نامه نهضت مقاومت ملی ایران شاخه انگلستان به اسقف کلیسای کاتر بوری

لبنای دست نمانده خود که منشاء اغلب کروکا تکبیرها در آن کشور می باشد، جلب کند. در حالی که آزادی رزومند آزادی سریع نما بنده آن عالیجناب می باشیم. از شما نیز تقاضا داریم برای آزادی هزاران ایرانی بیگانه، نیز که در زندانهای خصنی به خاطر اندیشه و عقاید خود تحت شکنجه و آزار قرار دارند دعا کنید. ما به تحقیق می دانیم که ظلم هرگز بر عدالت جبره نخواهد شد. عالیجناب خواهشمند است مراتب احترامات فائقه مسارا بپذیرید. هیئت اجرا شیه نهضت مقاومت ملی ایران - انگلستان ۷ فوریه ۱۹۸۷

عالیجناب را ببرتک، رانسی اسقف اعظم کلیسای کاتر بوری: این نامه را از طرف نهضت مقاومت ملی ایران، انگلستان گروه مخالف رژیم خمینی که متعهد برای استقرار دمکراسی و احترام به حقوق بشر و برقراری عدالت در ایران است، جهت استحضار شما ارسال می داریم. احساس می خواهد، احساسات عمیق خود را در مورد گرفتاری نمانده عالیجناب آقایی تری ویت که قریباً بی توطئه خونست، تروریسم دولتی در لبنان گردیده است، ابراز دارد. از فرصت استغاده نموده توجه مسارا به این واقعیت غیر قابل انکار یعنی همدستی و همکاری پنهانی رهبران جمهوری اسلامی با گروههای سید

ایران هرگز نخواهد مرد

نشانی: QYAM IRAN C. O. C. B. 17, bd RASPAIL. 75007 PARIS FRANCE